

الویت‌بندی عوامل تاثیرگذار در ارتقای رقابت‌پذیری اقتصاد منطقه‌ای (مورد مطالعه: شهرستان رودبار)

مجید یاسوری؛ استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.
مهدی خیاطی؛ دکتری اقتصاد کشاورزی، کارشناس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان، رشت، ایران.
فاطمه مومنی‌طارمیری*؛ کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۰۹

چکیده

رقابت‌پذیری منطقه‌ای برای اولین بار پس از رشد پارادایم جهانی شدن توسط مایکل پورتر مطرح شد. رقابت‌پذیری با تاکید بر فاکتورهای اقتصادی، اجتماعی، نهادی و منابع طبیعی سعی در تقویت بعد اقتصادی دارد. در واقع این رویکرد، موجب افزایش بهره‌وری و افزایش نرخ اشتغال در منطقه خواهد شد و از این طریق سرمایه‌های بیشتری به منطقه تزریق خواهد شد. همزمان با افزایش سرمایه و بالا رفتن درآمد عمومی، کیفیت زندگی نیز بهبود خواهد یافت. در این مسیر سرمایه‌ی انسانی افزایش یافته و کارآفرینی و نوآوری منطقه تقویت خواهد شد و در نهایت، تداوم این چرخه موجب پویایی و پایداری توسعه در منطقه می‌گردد. با اینکه، شهرستان رودبار از مزیتی نسبی تولید عمده زیتون برخوردار است، به نظر می‌رسد عوامل پیشران اقتصادی در این منطقه ضعیف بوده و شهرستان از سطح رقابت‌پذیری بالایی برخوردار نیست. از این رو تحقیق حاضر تلاشی است که با مطالعه چهارچوب سیستم منطقه‌ای، علاوه بر شناسایی عوامل تاثیرگذار در رقابت‌پذیری، با برآورد میزان اثرگذاری آن‌ها، سمت و سوی راهبردهای توسعه‌ی منطقه‌ی رودبار را مشخص می‌کند. در این راستا پس از شناسایی شاخص‌های رقابت‌پذیری از مطالعات پیشین، به تدوین و تکمیل ۳۸۴ پرسشنامه که با روش کوکران نمونه‌برداری شده بود، مطالعه‌ی میدانی خود را آغاز نمود. سپس با استفاده از آزمون آماری کالموگروف-اسمیرنوف به بررسی توزیع داده‌ها پرداخته است. پس از مشخص شدن چولگی در توزیع داده‌ها با استفاده از آزمون KMO همبستگی جزئی بین شاخص‌ها بررسی شد. سپس با کمک نرم‌افزار PLS بار عاملی هر شاخص محاسبه شده است. در این مسیر، ابعاد پنج‌گانه‌ی رقابت‌پذیری، به ترتیب الویت اثرگذاری در مدل نهایی: بعد نهادی با بار عاملی ۰/۶۹۴، بعد اجتماعی با بار عاملی ۰/۶۹۱، منابع اولیه با بار عاملی ۰/۵۵۰، اقتصاد با بار عاملی ۰/۵۱۰ و در نهایت زیرساخت با بار عاملی ۰/۳۶۵ به دست آمده است.

واژگان کلیدی: توسعه اقتصادی، اقتصاد منطقه‌ای، رقابت‌پذیری، شهرستان رودبار.

* fatemeh71momeni@gmail.com

(۱) مقدمه

روند تحولات توسعه‌ی محلی و منطقه‌ای در دهه‌های پیش از ۱۹۸۰ عمدتاً بر اساس رویکردهای از بالا به پایین و با تاکید بر ابعاد اقتصادی پیش می‌رفت. این امر در طول زمان موجب نابرابری در توزیع ثروت و رفاه در بین مناطق شد و توجه به مقوله‌ی توسعه‌ی منطقه‌ای در بین پژوهشگران و سیاست‌گذاران را افزایش بخشید. برخورد با مشکلات و مسئله‌ی توسعه‌ی منطقه‌ای با رویکردها و سیاست‌های متعدد و متنوعی صورت گرفته است. از جمله متاخرترین رویکردها در این زمینه رویکرد نهادی است که سیاست‌های نوینی را برای دستیابی به توسعه محلی و منطقه‌ای پیشنهاد می‌دهد (فرجی‌راد و کاظمیان، ۱۳۹۱، ۵۱). رقابت‌پذیری منطقه‌ای نیز ایده‌ای است مبتنی بر رویکرد نهادی که در دهه‌های اخیر مورد توجه محققین منطقه‌ای قرار گرفته‌اند (Martin et al, 2006,3).

در واقع رقابت‌پذیری منطقه‌ای، دیدگاهی است شایسته که می‌تواند با مطالعه‌ی عمقی مکان‌ها در چارچوب یک سیستم منطقه‌ای؛ علاوه بر شناسایی عوامل ریشه‌ای تاثیرگذار در توسعه، با برآورد میزان اثرگذاری آن‌ها، سمت و سوی راهبردهای توسعه‌ی منطقه‌ای را نیز مشخص نماید و از این رهیافت سیاست‌گذاران را به سمت توسعه‌ی پویا هدایت کند. در این راستا، یکی از الگوهای است که برخی از کشورهای جهان دارای اقتصادی پویا و تاثیرگذار؛ همانند کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا و دیگر مناطق نوظهور اقتصادی جهان از دهه‌ی ۱۹۹۰ آن را برگزیده‌اند. در واقع این الگو به دنبال ارائه‌ی یک استاندارد بالا برای زندگی و درآمد جمعیت و همچنین توانایی استفاده از ظرفیت اقتصادی منطقه برای تولید کالا و خدمات گوناگون است (Ushvisky, Parakhina, 2005, 1).. ارتقا رقابت‌پذیری موجب افزایش نرخ اشتغال و بهره‌وری شده و از این طریق سرمایه‌های بیشتری وارد منطقه خواهد شد. در این مسیر، همزمان با افزایش سرمایه‌گذاری و بالا رفتن سطح درآمد عمومی جامعه؛ کیفیت زندگی در منطقه نیز بهبود یافته و با ارتقا سطح آموزش، بهداشت، کیفیت محیط زیست، افزایش دانش عمومی و... همراه خواهد بود. افزایش کیفیت زندگی در منطقه، موجب جذابیت آن برای نیروهای کارآمد بیرونی شده و با جذب نیروهای متخصص، ماهر و خلاق؛ سرمایه‌ی انسانی افزایش خواهد یافت. در این راستا کارآفرینی و نوآوری رونق بیشتری خواهد یافت و تداوم این چرخه در بلندمدت موجب پویایی اقتصاد منطقه و حرکت آن به سمت توسعه‌ی پایدار خواهد بود (Porter, 2004, Ronald, 2004, Thissen, 2019, Thompson & Ward, 2005. Vincent & Zegara, 2014).

برنامه‌ریزی‌های انجام شده در کشور طی چند دهه‌ی گذشته نشان می‌دهد که علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته در قالب چندین برنامه‌ی عمرانی برای توسعه‌ی منطقه‌ای و علی‌الخصوص توسعه‌ی اقتصاد منطقه‌ای؛ موفقیت چندانی به دست نیامده است. چرا که هنوز نابرابری‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فضایی بین مناطق رو به افزایش بوده و فقر شدید در برخی از مناطق، نابرابری فرصت‌های شغلی، توزیع نابرابر امکانات و در نتیجه سیل مهاجرت از پیرامون به مرکز کماکان مسائل اصلی توسعه در کشور محسوب می‌شود. از این رو، توجه به اقتصاد مناطق و برنامه‌ریزی به منظور ارتقای رقابت‌پذیری شهرستان‌های پیرامون بخش مرکزی و ایجاد تعادل توسعه در مناطق امری ضروری به نظر می‌رسد. از این رو همواره تحقیقاتی در زمینه‌ی توسعه‌ی استان‌ها صورت پذیرفته است اما نگاه به توسعه‌ی منطقه‌ای در قالب رقابت‌پذیر نمودن شهرستان‌های یک منطقه نگاهی جدید است. در این راستا، تحقیق پیش‌رو در نظر دارد با نگاهی در قالب چارچوب رقابت‌پذیری به بررسی شاخص‌های این رویکرد در شهرستان رودبار بپردازد. لازم به ذکر است که شهرستان رودبار وسیع‌ترین شهرستان استان گیلان بوده (به مساحت ۲۳۳۰۵۴۴ کیلومتر مربع) و جایگاه سوم تولید زیتون را در کشور دارا می‌باشد. با این وجود طبق آمارهای

موجود این شهرستان در حال از دست دادن جمعیت فعال خود بوده و استانداردهای زندگی در آن با توجه به شهرستان مرکزی استان ضعیف عمل می‌کند. این شهرستان در آخرین سرشماری ۹۴۷۲۰ نفر جمعیت داشته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

کشاورزی در این شهرستان بخش غالب اقتصادی بوده و انواعی از محصولات باغی و زراعی در رودبار کشت می‌شوند که در این میان زیتون با ۸۲۲۹ هکتار وسعت باغی نزدیک به ۵۵ درصد از کل اراضی کشاورزی شهرستان را به خود اختصاص می‌دهد. این محصول با تولید بیش از ۱۶۵۰۰ تن زیتون سبز از حدود ۷۰ هزار تن زیتون کل کشور در سال، جایگاه سوم تولید زیتون را پس از زنجان و قزوین در کشور دارد و محصول خود را به شکل زیتون سبز، کنسرو، روغن زیتون، صابون و... به بازار عرضه می‌نماید و اقتصاد بیش از ۸۰ درصد از جمعیت شهرستان رودبار وابسته به این محصول است (مهندسان مشاور خودآوند، ۱۳۹۱، ۵-۶).

با توجه به موقعیت شهرستان، می‌توان گفت این منطقه، از مزیتی رقابتی نسبت به سایر مناطق همجوار خود برای رقابت در بازارهای فرامنطقه‌ای برخوردار است. با این وجود به نظر می‌رسد عوامل پیشران اقتصادی در شهرستان ضعیف بوده و از سطح رقابت‌پذیری بالایی برخوردار نیستند. از این رو پژوهش حاضر بر آن است تا با بررسی اهمیت شاخص‌های رقابت‌پذیری در شهرستان رودبار، به یک الویت بندی به منظور ارتقای رقابت‌پذیری و بهبود کیفیت زندگی در آن برسد. در این راستا، پاسخگویی به این سوال است که شاخص‌های رقابت‌پذیری در شهرستان رودبار به ترتیب الویت تاثیرگذاری دارای چه رتبه‌ای بوده و چه راهبردها و اقداماتی در تقویت رقابت‌پذیری شهرستان نقش دارند؟

۲) مبانی نظری

رقابت‌پذیری یک مفهوم اقتصادی است که در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و بنگاه‌ها مورد توجه قرار گرفته است. از جمله نظریه‌های مرتبط در این زمینه که از گذشته تاکنون هریک بر اساس پایه‌های رویکرد ماقبل خود رشد کرده است، می‌توان به نظریه‌های زیر اشاره نمود:

رویکرد کلاسیک

طبق نظریه‌ی کلاسیک هر منطقه‌ای برای رقابت و ورود به بازار اق تصادیدر برتری‌های تکنولوژیکی، مزیت نسبی دارد و تخصصی می‌شود. آدام اسمیت^۱ در سال ۱۷۷۶ ترکیب سه عامل زمین، کار و سرمایه را موجب برتری جوامع از یکدیگر قلمداد نمود و اقتصاد و منفعت فرد را نقطه‌ی قانونی فعالیت‌های اقتصادی می‌دانست. به عقیده‌ی او وقتی جامعه از حالت خودکفایی به سمت تجارت آزاد پیش رود مزیت مطلق در تولید کالا تغییر پیدا می‌کند. در واقع در این زمان اگر یک منطقه بتواند با ورودی کمتری تولید کند و آن را به عنوان یک مزیت مطلق حفظ کند؛ با صادرات بیشتری روبه روست و نسبت به سایر مناطق رشد بیشتری خواهد داشت. بدین ترتیب رقابت در اقتصاد به میزان بهره‌وری مناطق مربوط می‌شود (Martin, 2004, 2-4).

ریکاردو^۲ مفهومی فراتر از مزیت مطلق آدام اسمیت را ارائه کرد و در سال ۱۸۱۷ بیان می‌کند که وقتی منطقه‌ای در تولید کالایی تخصصی می‌شود یک مزیت نسبی در مقابل سایر مناطق دارد و این مزیت ناشی از تفاوتی

1. Adam Smith

2. David Ricardo

است که در فناوری تولید بین صنایع و در میان مناطق وجود دارد و در واقع در بهره‌وری تفاوت ایجاد می‌کند. (صباح کرمانی، ۱۳۸۰، ۱۱۰).

او در مثالی روشن می‌کند که اگر دو منطقه در میزان منابع، نیروی کار و سرمایه برابر باشند، منطقه‌ای موفق‌تر عمل خواهد نمود که از تکنولوژی بیشتری برخوردار است. در واقع استفاده‌ی از فناوری باعث بالا رفتن بهره‌وری نیروی کار می‌شود و با بالا رفتن بهره‌وری رشد اتفاق می‌افتد (Martin, 2004, 5).

رویکرد نئوکلاسیک

رویکرد نئوکلاسیک به دنبال بررسی نابرابری‌های منطقه‌ای و چگونگی برطرف کردن آن، شاخص میزان درآمد مناطق را دخیل می‌داند. در چهارچوب این رویکرد، توسعه‌ی محلی و منطقه‌ای بر کاهش نابرابری‌های جغرافیایی بر اساس درآمد سرانه در دراز مدت تاکید می‌شود. در واقع رشد مناطق میزان درآمدها را جا به جا خواهد کرد که به دنبال آن رفاه اجتماعی و اقتصادی بالاتر خواهد رفت. عواملی مثل رشد سرمایه، رشد نیروی کار و پیشرفت تکنولوژی سه عامل کلیدی هستند که بر سایر عوامل تاثیر می‌گذارند و باعث افزایش شاخص‌های توسعه‌ی منطقه‌ای هستند (فرجی راد و کاظمیان، ۱۳۹۱، ۳۶). اقتصاد نئوکلاسیک بر این باور است که سرمایه‌داری بر اساس عملیات پیچیده‌ی بازارهایی که نوسانات عرضه و تقاضا را به کمک تغییرات قیمت‌ها تعدیل می‌کنند، ثروت را به طور مساوی در میان خریداران و فروشندگان توزیع می‌کند (سجاسی‌قیداری و همکاران، ۱۳۹۵، ۲۳۷). رویکرد نئوکلاسیک به منظور برابرسازی مناطق بر عوامل تعیین‌کننده‌ی سطوح درآمد سرانه تاکید دارد تا از این مسیر مناطق کم درآمد بتوانند عقب ماندگی خود را جبران کنند. این رویکرد برای رسیدن به رشد مناطق، سیاست بازار آزاد را برای روابط اقتصادی پیشنهاد می‌کند و طرفداران آن معتقدند که مکانیسم‌های علی‌مدل رشد موجب همگرایی بدون دخالت خواهند شد (Pike et al, 2006, 63).

رویکرد مکتب اقتصادی کینز

از سال‌های اولیه‌ی پس از جنگ جهانی دوم تا سال‌های میانی دهه‌ی هشتاد میلادی سیاست‌های منطقه‌ای برگرفته از تفکرات کینزی رونق داشت و عمدتاً مبتنی بر توزیع مجدد درآمد و ارتقای رفاه با هدف ایجاد تقاضا در مناطق توسعه‌نیافته با استفاده از دخالت دولت بوده است (حاجی‌نژاد، ۱۳۸۱، ۵۸). "تئوری‌های برگرفته از رویکرد کینزی که به عنوان سیاست‌های قابل توجهی در توسعه منطقه‌ای شناخته شده‌اند شامل صادرات پایه، علیت تجمعی و قطب رشد هستند. این تئوری‌ها عموماً به عنوان تئوری‌های مداخله‌گر شناخته می‌شوند که علت آن دخالت دولت برای توسعه‌ی منطقه‌ای و از بین بردن نابرابری‌های منطقه‌ای در این تفکر است" (فرجی‌راد و کاظمیان، ۱۳۹۱، ۳۸).

از دیدگاه این رویکرد رشد مناطق از طریق مداخله‌ی دولت‌ها صورت می‌پذیرد. به همین علت یکی از سیاست‌های این رویکرد تمرکززدایی قدرت و واگذاری آن به آژانس‌ها و حاکمیت‌های محلی و منطقه‌ای است و همچنین پرداخت یارانه به مناطق فقیرتر برای رشد منطقه (Martin, 2004, 2-4).

تئوری صادرات پایه اقتصاد مناطق را به دو بخش پایه^۱ و اقتصاد غیرپایه^۲ تقسیم می‌کند. در این تئوری تفاوت در رشد مناطق به علت تفاوت در میزان صادرات منطقه می‌باشد. در واقع این تقاضای خارج از منطقه است که

^۱ The Causal Mechanisms.

^۲ Export Base Theory.

موجب صادرات بیشتر و به پیروی از آن رشد بیشتر منطقه خواهد بود و توسعه‌ی یک منطقه بسیار وابسته به شرایط بیرونی منطقه خواهد بود. بر این اساس درآمد حاصل از صادرات به درون منطقه سرریز شده و موجب پویایی اقتصادی و اجتماعی در منطقه خواهد بود (Pike et al, 2006, 71). تئوری علیت تجمعی^۳ بیشتر تاکید بر مناطقی دارد که برای اولین بار در پی صنعتی شدن هستند و معتقد به چرخه‌ای بودن رشد در سطح منطق است. به این صورت که با تجمع اقتصادی در یک منطقه، زیرساخت‌ها گسترش یافته و به دنبال آن بخش مالی و خدمات منطقه نیز گسترش خواهد یافت و میزان عرضه و تقاضا نیز بالا می‌رود. در این زمان مشارکت و عرضه‌ی نیروی کار بیشتر شده و با افزایش جمعیت نیاز به یک تجمع اقتصادی دیگر احساس می‌شود و این چرخه به همان ترتیب قبل ادامه خواهد داشت (Pike et al, 2006, 74). "تئوری قطب‌رشد در واقع تصور ویژه‌ای از فضای اقتصادی مجردی است که با حوزه‌ای از نیروی‌های متشکل از مراکز، همبستگی نزدیکی با سایر کانون‌ها داشته و نیروهای گریز از مرکز جذب آن می‌گردند" (زیاری، ۱۳۹۳، ۱۱۸). از نگاه این تئوری رشد در همه جا و در یک زمان پدیدار نمی‌شود و بلکه در نقاط یا همان قطب‌های رشد با شدت‌های متفاوت نمودار می‌گردد و از طریق کانال‌های گوناگون با آثار نهایی متفاوتی بر تمام اقتصاد تسری می‌یابد. در واقع قطب‌رشد به سرمایه‌گذاری‌های کلان در صنایع، در بزرگترین شهرها تاکید دارد. در این نظریه‌ها دولت‌ها انگیزه‌های رشد اقتصادی را به وجود می‌آورند. این رشد اقتصادی خارج از مراکز شهری انتشار می‌یابد و باعث توسعه‌ی اجتماعی-اقتصادی منطقه می‌شود (پاپلی، ۱۳۹۲، ۲۰۴).

رویکرد رشد اقتصادی درون‌زا

رشد درون‌زا یا همان تئوری رشد جدید از اصول پایه‌ی تئوری نفوکلاسیک پیروی می‌کند و به دنبال کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای است. البته این به معنی یکسان‌سازی مناطق نیست. بلکه در این تئوری هر منطقه سعی در افزایش عملکرد قلمرو خود را دارد که این امر در نهایت موجب رشد در سطوح ملی می‌شود. در این رویکرد بر انباشت دانش تاکید ویژه شده است و عنوان می‌شود که بنگاه‌ها در جهت دستیابی به امتیازات بیشتر باید دانش خود را افزایش دهند و دولت‌ها نیز باید از سرمایه‌های R&D در مناطق حمایت کنند. فرض اصلی نظریه‌ی رشد درون‌زا انباشت دانش در مناطق است اما این مسئله به معنای یک نتیجه‌ی مطلوب در این رویکرد تلقی نمی‌شود. بلکه حفاظت از حقوق معنوی دانش و نگهداری از آن برای به دست آوردن انحصار بازار نیز مهم است (Martin, 2004, 2-8). تئوری رشد درون‌زا، برای نیروی کار ماهر محلی و سرمایه‌ی انسانی اهمیت زیادی قائل می‌شود؛ زیرا کارگران ماهر تمایل به نوآوری و سازندگی دارند و برای مناطق و شرکت‌ها تحصیل کل جمعیت و آموزش مهارت به افراد مسئله‌ای حیاتی برای رشد اقتصادی آنهاست (داداش‌پور ۱۳۸۹، به نقل از مارتین. ر، ۲۰۰۴، ۱۴). عوامل کلیدی در این رویکرد برای رشد منطقه‌ای نیروی کار ماهر، تکنولوژی و عوامل بیرونی منطقه است (Pike et al, 2006, 103).

رویکرد ساختاری و تغییر موقتی

تئوری‌های برگرفته از رویکرد ساختاری شامل تئوری رشد روستو، تئوری‌های چرخه، تئوری‌های موج، اقتصاد سیاسی رادیکال، تئوری‌های گذار و تئوری مقررات می‌باشد (همان، ۴۱). تئوری رشد مرحله‌ای روستو نیروهای

³. Non-Basic Sector.

². Cumulative Causation.

تولیدی را از نظر توسعه اجتماعی بررسی کرده است و با نمایاندن تغییرات تاریخی نیروهای تولیدی سعی در ارتقا جامعه سرمایه‌داری به سمت جامعه‌ی تکامل‌یافته دارد. طبق این نظریه جوامع باید از پنج مرحله زیر به ترتیب عبور کنند (۱) جامعه سنتی، (۲) شرایط ماقبل خیز اقتصادی، (۳) مرحله‌ی خیز اقتصادی، (۴) مرحله‌ی بلوغ، (۵) عصر مصرف‌انبوه (پاپلی، ۱۳۹۲، ۸۷-۸۹). در نظر روستو هر جامعه‌ای که این مراحل را با موفقیت گذرانده باشد به توسعه می‌رسد و جوامع عقب‌مانده نیز ناچار به گذر از این مراحل برای رسیدن به توسعه هستند (زیاری، ۱۳۹۳، ۱۰۶).

تئوری چرخه بر تکامل زمانی ساختار منطقه تاکید دارد. نوسانات جغرافیایی در هزینه‌های عاملان فضایی با مراحل مختلف چرخه‌های تولید و زندگی صنعتی از طریق مدل چرخه‌ی تولید پیوند دارد. تئوری موج توسعه منطقه‌ای را بر اساس رشد تکنولوژیکی تبیین می‌کند. این تئوری رشد تکنولوژی را در پنج دوره تقسیم‌بندی می‌کند و معتقد است که هرکدام از این دوره‌ها نقش مهمی بر توسعه‌ی مناطق دارند (فرجی راد و کاظمیان، ۱۳۹۱، ۴۱). "تئوری‌های گذار توسعه‌ی منطقه‌ای را بر اساس تغییر ساختارهای منطقه‌ای در طول زمان تبیین می‌کنند و این گذار از سرمایه‌داری و الزامات آن تبیین می‌شود. بر اساس این تئوری اقتصادهای محلی و منطقه‌ای می‌توانند ویژگی‌ها و موفقیت‌های نسبی اقتصادی آن را تقلید کنند" (همان، ۴۲). آخرین تئوری از مجموعه‌ی تئوری‌های ساختاری؛ تئوری مقررات است که بر اساس آن نرخ‌های رشد ملی و منطقه‌ای به مقررات نهادی و اجتماعی منطقه و میزان انطباق آن با سازمان‌های تولیدی بستگی دارند. این تئوری رشد و توسعه‌ی منطقه‌ای را وابسته به ساختارهای نهادی و مقررات محلی شده و همچنین نوآوری می‌داند و در کل اقتصاد حالت محلی‌تری به خود می‌گیرد (فرجی راد و کاظمیان، ۱۳۹۱، ۴۲).

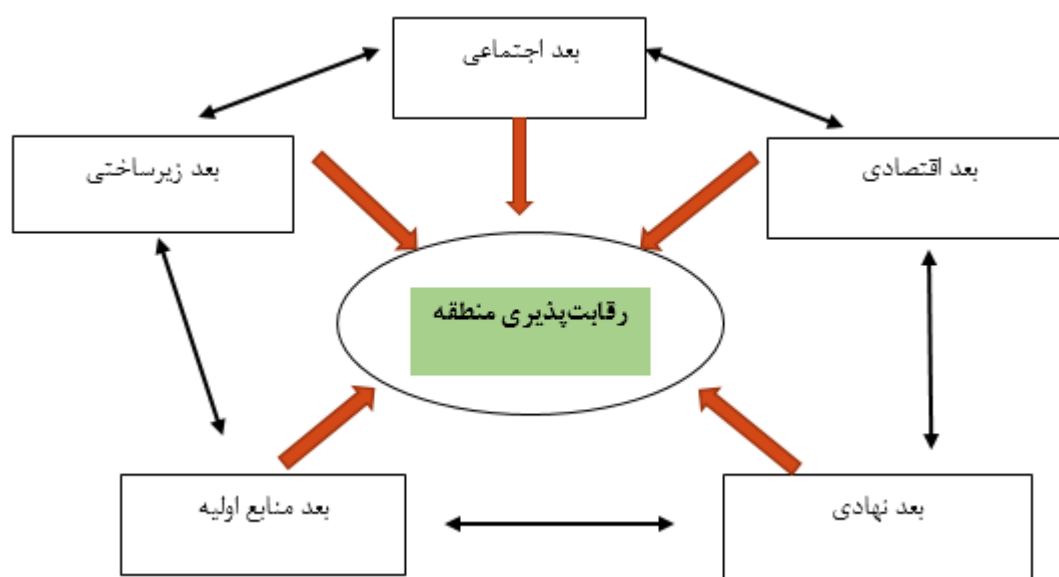
رویکرد توسعه پایدار

توسعه پایدار یکی از موثرترین رویکردها برای توسعه‌ی مناطق محسوب می‌شود و بر خلاف رویکردهای پیشین که توجه خاص خود را به سمت اقتصاد و توسعه‌ی اقتصادی و رفاه اجتماعی معطوف ساخته بودند، به بعد زیست-محیطی نیز اهمیت داده و توسعه را امیدی ورای زنده ماندن تعبیر می‌کند (بدری و پورطاهری، ۱۳۹۱، ۶۰-۶۱). در این رویکرد، توسعه یک مفهوم کیفی است که می‌توان آن را معادل افزایش کیفیت زندگی دانست. اما مفهوم پایداری توسعه شامل چندین مفهوم پایداری، مانند پایداری منابع طبیعی، پایداری اقتصادی و پایداری رفاه و توسعه‌ی انسانی می‌باشد. بنابراین توسعه‌ی پایداری عینی ایجاد فضای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی که تضمین-کننده کیفیت مطلوب زیستی باشد و بتواند اهداف یاد شده را به صورت پایدار و ملندگار حفظ نماید (حسین‌زاده دلیر، ۱۳۸۰، ۹۳).

این رویکرد در تلاش است تا یک توسعه‌ی چند جانبه را در مناطق تحقق بخشد و علاوه بر توسعه‌ی پایدار بخش اقتصادی به توسعه‌ی دیگر ابعاد منطقه یعنی پایداری محیطی، پایداری اجتماعی، پایداری کالبدی و پایداری نهادی نیز دست یابد (همان، ۷۳-۹۷). رویکرد توسعه‌ی پایدار فرآیندی را برای توسعه در نظر می‌گیرد که قبل از هر چیز از نظر اکولوژیکی پایداری محیط را بر هم نریزد. البته این بدان مفهوم نیست که تنها بر جنبه زیست‌محیطی تمرکز دارد. بلکه به جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی آن نیز توجه ویژه دارد و قلمرو اصلی خود را همان نقطه‌ی تلاقی جامعه، اقتصاد و محیط زیست منطقه می‌داند (افتخاری، بدری، ۱۳۹۱، ۶۶).

رویکرد نهادگرایی

رویکرد نهادگرایی که در دو دهه‌ی گذشته در سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای نقش قابل توجهی را داشته است به میزان زیادی مشابه با اصول توسعه‌ی پایدار عمل می‌کند. با این تفاوت که تمرکز اصلی خود را از بعد محیطی و زیستی را کاهش داده و سعی در توازن توجه به همه‌ی ابعاد درونی یک منطقه با تمرکز بر بعد اقتصادی منطقه دارد. تاکید اصلی این رویکرد بر تحرک‌بخشی ظرفیت‌های درونی منطقه از مسیر تلاش برای ارتقای عرضه متکی بر منابع محلی مناطق و بسط نهادهای موثر و کارآ در توسعه‌ی منطقه‌ای است. در واقع نظریه‌ی نهادگرا، منبع اصلی باز کردن حیات اقتصادی مناطق را در باز کردن قفل "ثروت مناطق" می‌داند نه "ثروت ملل". اصول اصلی این رویکرد مبتنی بر اقدامات از پایین به بالا، منطقه محور، بلندمدت، تکثرگرا و در قالب نظام و روابط شبکه‌ای است (حاجی‌نژاد، ۱۳۸۱، ۵۹). این رویکرد با تاکید بر این که مناطق مختلف دارای شرایط اجتماعی، اقتصادی، نهادی، فرهنگی و سیاسی خاصی هستند؛ معتقد به اصولی انعطاف‌پذیر و مدل‌های متنوع برای توسعه‌ی محلی و منطقه‌ای می‌باشد (فرجی‌راد و کاظمیان، ۱۳۹۱، ۵۰). نظریه‌ی رقابت‌پذیری منطقه‌ای نیز در قلب رویکرد نهادی سعی در تقویت ظرفیت‌های درونی منطقه به منظور رقابت‌پذیر شدن آن در مقایسه با سایر مناطق دارد. در این تئوری تلاش برای رقابت‌پذیر شدن منطقه از طریق تبدیل پتانسیل‌های درونی آن به قابلیت و تقویت بخش اقتصادی و بنگاه‌های بومی منطقه می‌باشد. در این تعریف به درستی میزان اهمیت دارایی‌های درونی مناطق به منظور رسیدن به توسعه بیان شده است (غضبانی و همکاران، ۱۳۹۷، ۸). رقابت‌پذیری منطقه‌ای در چارچوب مزیت‌های رقابتی فرمول‌بندی شده است و عواملی مثل سرمایه‌ی انسانی، سرمایه‌ی فرهنگی، سرمایه‌ی تولیدی، سرمایه‌ی زیرساختی و وجود دانشی خلاق از جمله مزیت‌هایی هستند که سطح رقابتی مناطق را برای پویایی اقتصادی تعیین می‌کنند (Martin et al, 2006, Vincent & Zegara, 2014, Klarin, 2018, Ronald.L, 2004, Thissen, 2019, Wierzbicka, 2020). بر اساس رویکرد نهادی و توجه ویژه‌ی آن بر توسعه با تقویت عوامل درونی منطقه؛ رقابت‌پذیری با وجود نیروهای پیش‌برنده‌ای همچون سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی، سرمایه‌ی انسانی، قابلیت دسترسی منطقه و توجه به زیرساخت‌ها، سرمایه‌گذاری، نوآوری و تحقیق و توسعه، توسعه‌ی بنگاه‌های منطقه، کیفیت محیط زیست و نهادهای حکومتی و محلی، تحقق‌پذیر خواهد بود (Gardiner et al, 2006, Martin et al, 2006, Vincent & Zegara, 2014, Ronald.L, 2004, Porter, 2020, Tudor, 2006). توجه به رویکرد تحقیق مدل مفهومی آن در زیر ارائه شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

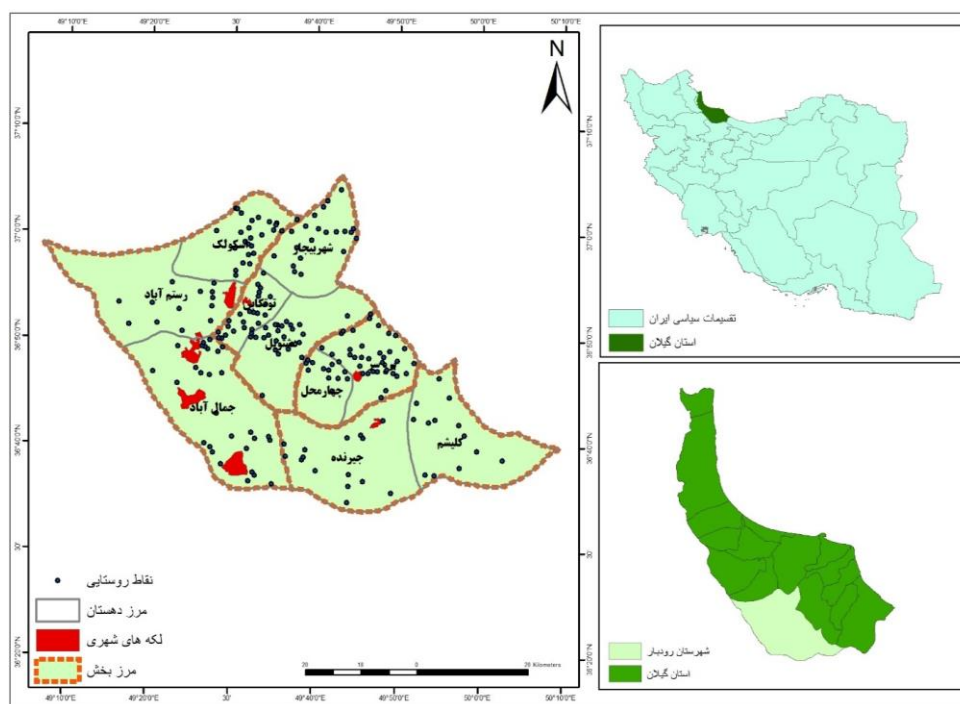
۳) روش تحقیق

تحقیق پیش‌رو از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت پژوهش توصیفی-تحلیلی است. ابتدا با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی چارچوب نظری تحقیق و همچنین شناسایی شاخص‌های رقابت‌پذیری منطقه‌ای در پژوهش‌های پیشین پرداخته شد. سپس در بخش میدانی با روش پیمایشی از طریق توزیع پرسشنامه بین صاحبان مشاغل در سه بخش عمده‌ی اقتصادی منطقه‌ی مورد مطالعه، بخش کیفی کار گردآوری شد. به منظور بررسی روایی پرسشنامه از ۱۱ کارشناس در بخش‌های اداری و دانشگاهی استان کمک گرفته شد و پایایی آن، از طریق آزمون آلفای کرونباخ میزان ۰/۸۲۳ به دست آمد. پس از توزیع و تکمیل ۳۸۴ پرسشنامه (تعداد پرسشنامه با روش کوکران محاسبه شده است) با کمک نرم افزار SPSS به بررسی توزیع داده‌ها از طریق آزمون کالموگروف-اسمیرنوف پرداخته شد. نتایج این آزمون نشان داد که داده‌ها با چولگی همراه بوده و درگروه آمارهای ناپارامتریک قرار می‌گیرند. در نتیجه نرم افزار PLS به منظور به دست آوردن بارعاملی انتخاب شد. در این راستا، به منظور اطمینان از انجام تحلیل عاملی، آزمون کفایت اندازه‌گیری نمونه^۱ یا (KMO و بارتلت) گرفته شد. این آزمون میزان کافی بودن حجم نمونه و همچنین همبستگی جزیی بین شاخص‌ها را برای تحلیل عاملی بررسی می‌کند. سپس در نرم افزار PLS به بررسی بارعاملی شاخص‌ها پرداخته شد و از این طریق پژوهش حاضر به الویت‌بندی شاخص‌ها برای برنامه‌ریزی رقابت‌پذیری رسیده است. رودبار یکی از ۱۶ شهرستان استان گیلان می‌باشد که در جنوب این استان واقع شده و با مرکزیت سیاسی شهر رودبار می‌باشد.

رودبار از شمال به شهرستان‌های رشت و لاهیجان، از جنوب به استان قزوین، از شرق به شهرستان رودسر و از غرب به شهرستان فومن و استان زنجان محدود می‌شود.

شهرستان رودبار با وسعت ۲۵۷۴ کیلومتر مربع، وسیع‌ترین شهرستان استان گیلان بوده و دارای ۷ شهر، ۴ بخش، ۱۰ دهستان و ۱۲۰۸ آبادی (۳۴ آبادی خالی از سکنه) می‌باشد (سالنامه‌ی آماری گیلان، ۱۳۹۷).

^۱ . Measure of Sampling Adequacy



شکل ۲. نقشه موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

۴ یافته‌های تحقیق

مطالعات اسنادی در مورد شهرستان رودبار نشان می‌دهد که این شهرستان با قرارگیری در منطقه‌ای مرتفع و همچنین عمق کم خاک، مستعد فرسایش شدید می‌باشد. از طرفی وجود اقلیم مناسب و سازگاری درخت زیتون با ویژگی‌های طبیعی منطقه باعث شده تا این محصول غالب کشاورزی در منطقه را تشکیل دهد. به طوری که حدود ۳۸ درصد از زیتون کل کشور در این شهرستان تولید می‌شود. به تبع تولید زیتون در این منطقه، فعالیت‌های صنعتی نیز بیشترین تمرکز را بر محصولات غذایی داشته و در تولید فرآورده‌های زیتون اشتغال دارند. پیروی از فعالیت‌های مرتبط با زیتون در بخش خدمات نیز ادامه داشته و بخش عمده‌ای از فعالیت‌های صنفی این شهرستان به خرید و فروش زیتون و فرآورده‌های جانبی آن اختصاص دارد. با این وجود بررسی‌ها در وضعیت جمعیتی این شهرستان در پنج دوره‌ی پیشین سرشماری از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که از جمعیت آن کاسته شده است. همچنین نرخ رشد در این شهرستان در تمامی سرشماری‌ها منفی اعلام شده است و آخرین نرخ رشد محاسبه شده برای آن طی سال‌های ۹۰-۹۵ (۱/۲۶-) به دست آمده است. این در حالی است که نرخ رشد طبیعی شهرستان طی همین دوره ۵۰ درصد بوده است. این مقایسه نشان می‌دهد که علی‌رغم رشد طبیعی در منطقه، مهاجرت به بیرون باعث منفی شدن نرخ رشد کلی آن بوده که علل آن عمدتاً مشکلات اقتصادی و وجود فقر است (سالنامه‌ی آماری گیلان، ۱۳۹۷).

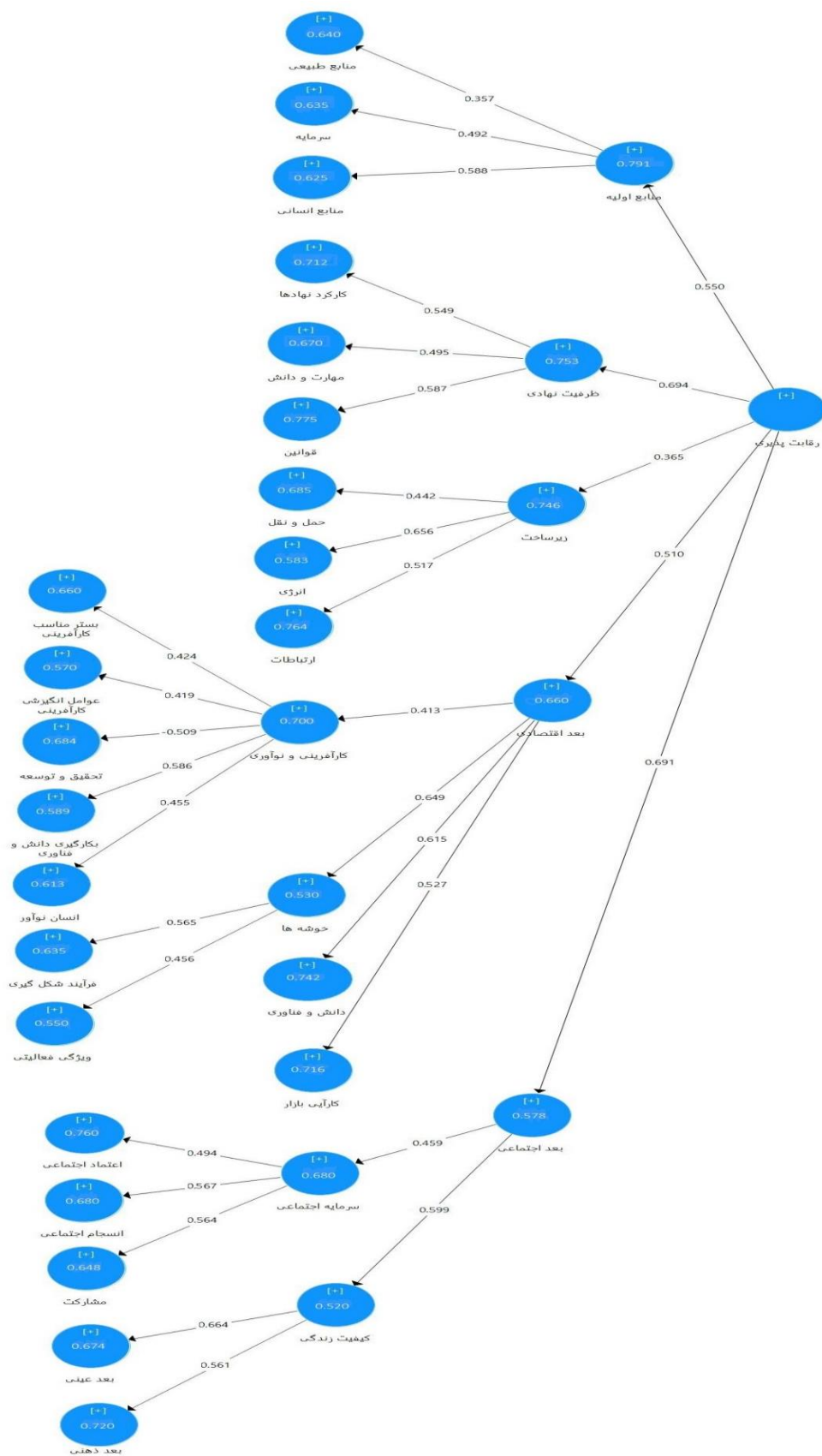
به منظور بررسی شاخص‌های رقابت‌پذیری در شهرستان رودبار، در ابتدا به وسیله‌ی آزمون KMO همبستگی بین شاخص‌ها اندازه‌گیری شده است. نتایج آزمون نشان می‌دهد که تمامی شاخص‌ها از همبستگی برخوردار هستند. در این میان بیشترین میزان همبستگی در ظرفیت نهادی و پس از آن در بخش اقتصادی منطقه دیده می‌شود. همبستگی کل شاخص‌های آورده شده به شرح زیر می‌باشد. بر اساس نتایج به دست آمده مقدار Sig گزارش شده در آزمون فوق کمتر از ۰/۰۵ بوده و همبستگی جزیی بین اجزای پرسش‌نامه به دست آمده بالاتر از ۰/۵ گزارش شده است. بر این اساس نتایج آزمون KMO با درصد اطمینان ۰/۹۵ تأیید می‌شود. نمونه‌گیری برای محاسبه‌ی بارعاملی کافی می‌باشد.

جدول ۱. نتایج آزمون KMO رقابت‌پذیری شهرستان رودبار

ابعاد	همبستگی	شاخص	همبستگی	زیر شاخص	همبستگی
منابع طبیعی	۰/۷۰۴	منابع طبیعی	۰/۷۹۰		
		سرمایه	۰/۶۳۹		
		نیروی انسانی	۰/۶۴۸		
ظرفیت نهادی	۰/۸۰۵	کارکرد نهادها	۰/۷۹۲		
		دانش و مهارت	۰/۷۹۱		
		قوانین	۰/۸۲۹		
زیر ساخت	۰/۷۵۴	حمل و نقل	۰/۷۹۶		
		انرژی	۰/۸۶۴		
		ارتباطات	۰/۶۶۷		
اقتصاد	۰/۷۸۷	کارآفرینی و نوآوری	۰/۷۳۰	بستر مناسب کارآفرینی	۰/۷۲۲
				عوامل انگیزشی	۰/۶۸۵
				تحقیق و توسعه	۰/۶۰۴
				بکارگیری دانش	۰/۷۰۵
				انسان نوآور	۰/۵۸۴
	۰/۷۸۷	خوشه ها	۰/۷۸۷	چگونگی شکل گیری	۰/۶۸۶
				ویژگی فعالیت	۰/۶۸۶
		دانش و مهارت	۰/۶۴۳		
		کارکرد بازار	۰/۶۴۳		
اجتماعی	۰/۵۳۰	سرمایه اجتماعی	۰/۶۲۴	اعتماد اجتماعی	۰/۸۵۹
				مشارکت اجتماعی	۰/۷۱۵
				انسجام اجتماعی	۰/۸۲۲
		کیفیت زندگی	۰/۶۲۴	بعد عینی	۰/۶۶۹
				بعد ذهنی	۰/۶۶۹

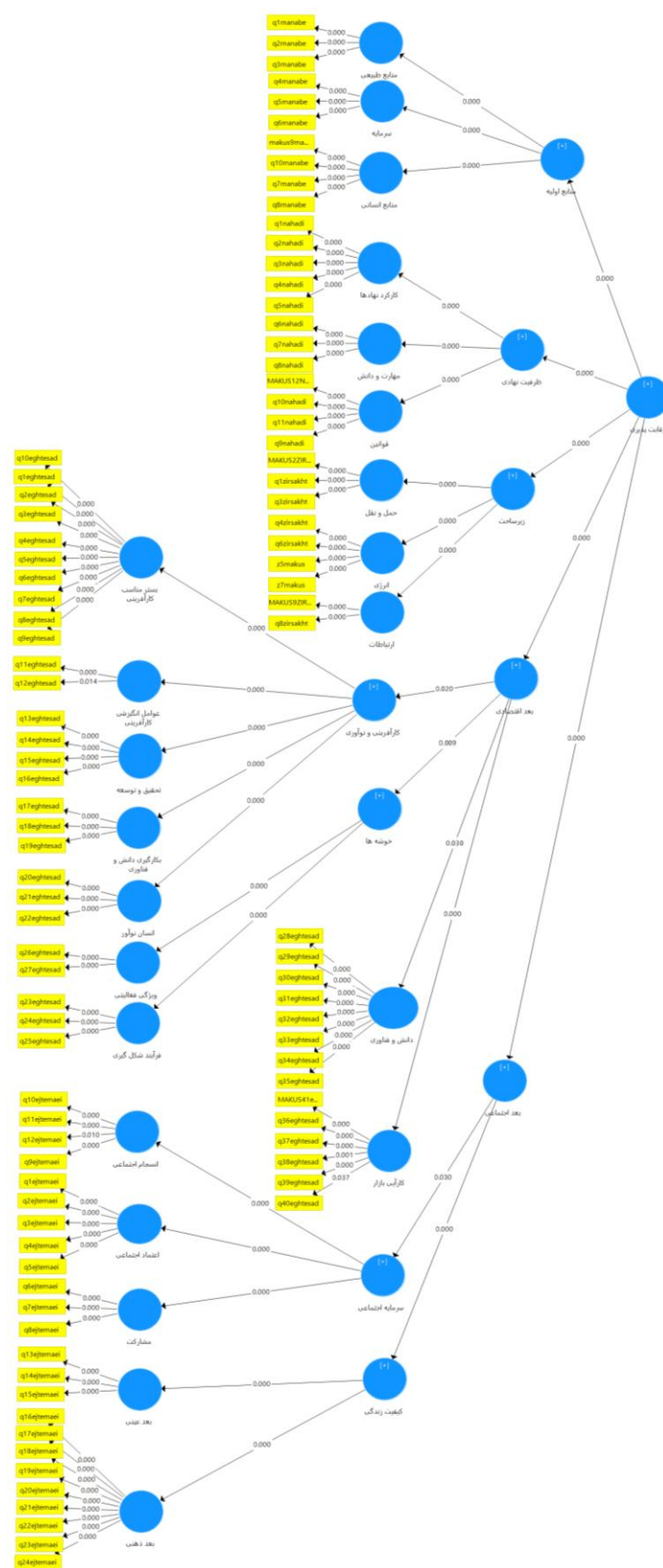
منبع: مطالعات محقق

در قدم بعد با استفاده از نرم‌افزار PLS به بررسی بارعاملی شاخص‌ها پرداخته شده است.



شکل ۳. بار عاملی و ضرایب رگرسیونی مدل رقابت پذیری شهرستان رودبار





شکل ۵. سطح معناداری در مدل رقابت پذیری شهرستان رودبار

به منظور پاسخگویی به سوال مطرح شده در ابتدای تحقیق، پس از مشخص شدن ناپارامتریک بودن جامعه و بررسی کفایت نمونه‌گیری، تحلیل عاملی تائیدی در نرم افزار PLS انجام گرفت. در این خصوص بارهای عاملی هر کدام از ابعاد، شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها به همراه آماره‌ی T و میزان معنا داری ۰/۰۵ محاسبه شد. میزان استاندارد برای بارعاملی یخس‌های مختلف در این تحقیق ۰/۳ در نظر گرفته شده است و بارعاملی کمتر از آن بی‌اثر شناخته شده و از چارچوب مدل حذف خواهد شد.

آماره‌ی T نیز تفاوت نسبت به تغییرپذیری بدست آمده از نمونه‌ها را می‌سنجد. در واقع این آماره تفاوت محاسبه شده تقسیم بر خطای استاندارد است. این میزان در مدل‌های تحلیل عاملی، نشان‌دهنده‌ی ارتباط بین متغیر مستقل و وابسته بوده و به این معنی است که با تغییر در متغیر مستقل میزان تغییر در متغیر وابسته چه میزان خواهد بود. هرچه این مقدار بزرگتر باشد این معناداری افزایش خواهد یافت. نکته‌ی قابل توجه در محاسبه-ی آماره‌ی t در نرم‌افزار PLS این است که در هر محاسبه، نرم افزار یک نمونه‌ی تصادفی از کل جامعه را انتخاب خواهد کرد و در انجام محاسبه‌ی بعدی این مقدار ممکن است کمی متفاوت باشد. از این رو استاندارد برای معناداری ارتباطات در نظر گرفته‌اند. به طور استاندارد اگر مقدار آماره‌ی T از ۱/۹۶ بیشتر باشد به معنی ارتباط بین متغیر وابسته و مستقل خواهد بود. شکل زیر نتایج محاسبه‌ی آماره‌ی t را همراه بارعاملی اجزای تشکیل-دهنده‌ی مدل نشان می‌دهد. لازم به ذکر است که در شکل یاد شده گویه‌ها نیز محاسبه شده‌اند. مقدار آماره‌ی t در تمامی ارتباطات بین متغیرهای مستقل و وابسته بیشتر از ۱/۹۶ اندازه‌گیری شده است و در سطح خطای ۰/۰۵ معنی‌دار است.

نتایج به دست آمده از تحلیلی عاملی در شهرستان رودبار نشان می‌دهد که ظرفیت نهادی با بارعاملی ۰/۶۹۴ بیشترین سهم را در شکوفایی رقابت‌پذیری منطقه دارد و پس از آن سرمایه‌ی اجتماعی با بارعاملی ۰/۶۹۱ قرار گرفته است. منابع اولیه و اقتصاد نیز در رتبه‌های بعدی با میزان ۰/۵۵۰ و ۰/۵۱۰ قرار گرفته‌اند و زیرساخت با کمترین بار عاملی در رتبه‌ی پنجم قرار دارد. با توجه به میزان آماره‌ی T در تمامی شاخص‌ها، مشخص می‌شود که رابطه‌ی متغیرهای مستقل و پیوسته در این مدل بسیار قوی بوده و با تغییر در زیرشاخص‌های موجود، ابعاد نیز دستخوش تغییر خواهد شد. از این رو به منظور تقویت رقابت‌پذیری شهرستان رودبار با توجه به تولید انبوه زیتون در این منطقه می‌توان با تغییر در زیرشاخص‌های بررسی شده وضعیت موجود را ترقی بخشید.

جدول ۲. بارعاملی شاخص‌های رقابت‌پذیری شهرستان رودبار به ترتیب الویت

ابعاد	بارعالمی	آماره	مختاری	شاخص	بارعالمی	آماره	مختاری	زیر شاخص	بارعالمی	آماره	مختاری						
ظرفیت نهادی	۰/۶۹۴	۱۰/۷۷	۰/۰	قوانین	۰/۵۸۷	۵/۵۱	۰/۰										
				کارکرد نهادها	۰/۵۴۹	۲۰/۱۹						۰/۰					
				دانش و مهارت	۰/۴۹۲	۲۱/۳۷						۰/۰					
سرمایه اجتماعی	۰/۶۹۱	۱۶/۴۱	۰/۰۳۰	کیفیت زندگی	۰/۵۹۹	۷/۲۲	۰/۰	بعد عینی	۰/۶۶۴	۴۶/۱	۰/۰						
									بعد ذهنی	۰/۵۶۱	۲۶/۹	۰/۰					
				سرمایه اجتماعی	۰/۴۵۹	۸ ۱/۸		۰/۰	مشارکت اجتماعی	۰/۵۶۷	۸/۳۵	۰/۰					
									انسجام اجتماعی	۰/۵۶۴	۶/۳۶	۰/۰					
									اعتماد اجتماعی	۰/۴۹۴	۲۰/۹۴	۰/۰					
منابع اولیه	۰/۵۵۰	۸/۸۷	۰/۰	نیروی انسانی	۰/۵۸۸	۲۲/۲	۰/۰										
				سرمایه	۰/۴۹۵	۲۲/۴					۰/۰						
				منابع طبیعی	۰/۳۵۷	۷/۵۳					۰/۰						
اقتصاد	۰/۵۱۰	۶/۲۱	۰/۰	خوشه	۰/۶۴۹	۷/۰۶	۰/۰۰۹	چگونگی شکل گیری	۰/۵۶۵	۲۲/۴۹	۰/۰						
									ویژگی فعالیت	۰/۴۵۶	۲/۰۶	۰/۰					
				دانش و مهارت	۰/۶۱۵	۴/۹۵		۰/۰۳۰	بستر مناسب کارآفرینی	۰/۴۲۴	۳/۱۰	۰/۰					
				کارآفرینی و نوآوری	۰/۴۱۳	۲/۲۲							۰/۰۲۰				
زیرساخت	۰/۳۶۵	۳/۹۴	۰/۰	کارکرد بازار	۰/۵۲۷	۳/۸۱	۰/۰۳										
				انرژی و آب	۰/۶۵۶	۳۱/۱۳	۰/۰										
				ارتباطات	۰/۵۱۷	۶/۱۷	۰/۰										
				حمل و نقل	۰/۴۴۲	۸/۰۷	۰/۰										

منبع: مطالعات محقق

۵) نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی، در بین ابعاد پنج‌گانه‌ی رقابت‌پذیری در شهرستان رودبار، تاثیرگذارترین آن‌ها ظرفیت نهادی و پس از آن بعد سرمایه‌ی اجتماعی شناخته شده است. سایر ابعاد نیز به ترتیب اهمیت منابع اولیه، اقتصادی و زیرساختی هستند.

در بعد ظرفیت نهادی، شاخص‌های تاثیرگذار به ترتیب اهمیت، قوانین با بارعاملی ۰/۵۸۷، کارکرد نهادها با ۰/۵۴۹ و دانش و مهارت با میزان ۰/۴۹۲ در الویت‌های بعدی قرار دارند.

این بعد با تاثیرگذاری مستقیمی که بر سایر ابعاد مدل دارد، نقش بسیار مهمی در روند رقابت‌پذیر شدن شهرستان و همچنین تداوم آن خواهد داشت. بر این اساس، شاخص قوانین، دانش و مهارت نهادها و همچنین کارکرد آن‌ها با تاثیرگذاری بر بعد اقتصادی و تاثیر مستقیم بر شاخص‌هایی همچون، کارآفرینی، کارکرد بازار و خوشه‌ها موجب ضعف و یا قوت این بخش شده و در ادامه‌ی این روند تاثیر آن بر کیفیت‌زندگی در بعد اجتماعی، وجود نیروی انسانی و سرمایه در بعد منابع اولیه خواهد بود. نتایج به دست آمده در این بخش از تحقیق مطابقت دارد با نتایج به دست آمده در نوشتارهای (فرجی‌راد و کاظمیان، ۱۳۹۱ و حاجی‌نژاد، ۱۳۸۱)، (Lengyel, 2007) (Semenenko, 2019, Kitson et al, 2010, Pike et al, 2006) که رقابت‌پذیری مناطق را بخشی از رویکرد نهادگرایی می‌دانند و رشد نهادهای محلی کارآمد را عاملی جهت تقویت آن معرفی می‌کنند.

دومین بعد تاثیرگذار بر اساس اهمیت و نقش در رقابت‌پذیری منطقه، بعد اجتماعی بوده و با دو شاخص کیفیت زندگی و سرمایه‌ی اجتماعی بررسی شده است. در این بخش، بیشترین بارعاملی بر شاخص کیفیت زندگی با بارعاملی ۰/۵۹۹ و پس از آن سرمایه‌ی اجتماعی با بارعاملی ۰/۴۵۹ می‌باشد.

واضح است که بهبود کیفیت‌زندگی در یک منطقه موجب انباشت سرمایه و همینطور ماندگاری نیروی کار متخصص و ماهر خواهد بود. در واقع، ترقی کیفیت‌زندگی در منطقه نه تنها با تاثیر بر جمعیت متخصص محلی موجب انباشت سرمایه در منطقه می‌شود، بلکه موجب جذب سرمایه و نیروی متخصص از خارج منطقه خواهد بود که در صورت فراهم بودن بستر نهادی و اقتصادی، موجب تداوم و پایداری رقابت‌پذیری منطقه است.

همانطور که محققین پیشین اشاره کرده‌اند، رقابت منطقه‌ای یعنی توانایی منطقه برای ترویج فعالیت و جذب و حفظ اقتصاد خود؛ به طوری که جمعیت خود را برای رسیدن به استانداردهای زندگی پیش ببرد و با ایجاد محیطی جذاب برای کسب و کار؛ عوامل تولیدی ماهر، کارآفرین و خلاق را جذب نماید (Thissen, 2019, Klarin, 2018, Semenenko, 2019 Martin et al, 2006)

بعد منابع طبیعی سومین بارعاملی را در مدل رقابت‌پذیری شهرستان رودبار به دست آورده است. در این راستا اهمیت شاخص‌ها در این بعد به ترتیب نیروی انسانی، ۰/۵۸۸، سرمایه ۰/۴۹۵ و منابع طبیعی ۰/۳۵۷ می‌باشد. بعد اقتصادی نیز چهارمین بارعاملی را به دست آورده است. در این بعد شاخص خوشه‌ها با بارعاملی، ۰/۶۴۹ دانش و مهارت، ۰/۶۱۵ کارکرد بازار ۰/۵۲۷ و در نهایت شاخص کارآفرینی و نوآوری ۰/۴۱۳ به ترتیب اهمیت قرار دارند.

نتایج به دست آمده در این بخش با نتایج به دست آمده در تحقیقات (Martin et al, 2006, Vincent & Zegara, 2014, Wierzbicka, 2020, Ronall.L, 2004, Kiarin, 2018, Sitdikuva, 2013, Tudor, 2006) تطابق داشته و تأیید شده است.

Tudor, 2016, Porter, 2004 در تحقیقات خود بر نقش خوشه‌ها در رقابت‌پذیری تاکید داشتند Martin et al, 2006, Wierzbicka, 2020, Vincent & Zegara, 2014 در مطالعات خود بر شاخص‌های کارآفرینی، دانش و- مهارت و نوآوری را در کنار سایر ابعاد رقابت‌پذیری همچون زیرساخت و عملکرد نهادها، عواملی در جهت رشد و پایداری رقابت‌پذیری دانسته‌اند.

بعد اقتصادی علاوه بر تاثیرگذاری بر سایر ابعاد، تاثیرپذیری بالایی نیز دارد. بدیهی است که ضعف عملکردی در نهادها و همچنین ضعف بودن سرمایه و نیروی انسانی موجب عملکرد ضعیف این بعد خواهد بود. در نهایت کمترین بارعاملی را بعد زیرساختی به دست آورده است که در بین شاخص‌های آن، شاخص انرژی و آب، با بارعاملی ۰/۶۵۶، ارتباطات، ۰/۵۱۷ و حمل و نقل با وزن ۰/۴۴۲ قرار دارد

(Annoni, 2021, Balcerzak, 2018, Luo, Chen, Zhang, 2022). نیز در مطالعات خود بر اهمیت زیرساخت، در رقابت‌پذیری مناطق تاکید داشته‌اند. پر واضح است که کیفیت زیرساخت به طور مستقیم از سرمایه‌ی موجود و همینطور کارآمدی ظرفیت نهادی و وضعیت اقتصادی منطقه تاثیر گرفته و بهبود خواهد یافت. از طرف دیگر نیز، بهبود کیفیت زیرساخت بر بالا رفتن کیفیت زندگی منطقه تاثیرگذار است.

بر این اساس مجموعه‌ی شاخص‌هایی که در این مقاله مطرح و بررسی شده‌اند، در ارتباط با هم هستند و به طور یک مجموعه یکدیگر را تکمیل می‌کنند. به طوری که هر کدام از آن‌ها نقشی در رقابت‌پذیری منطقه دارند و نقص در هر بخش، موجب ضعف در بخش‌های دیگر خواهد بود.

وجود خوشه‌ها در این منطقه در کنار مهاجر فرصت بودن نیروی کار و بالا رفتن بارتکفل و میانگین سنی جمعیت نشان می‌دهد که برخی از شاخص‌های مرتبط با رقابت‌پذیری در منطقه ضعیف عمل می‌کنند.

در این میان با رویکرد رقابت‌پذیری شهرستان رودبار و با در نظر گرفتن الویت تاثیرگذاری شاخص‌ها در این شهرستان می‌توان مسیری در جهت بهبود وضعیت موجود یافت. این رویکرد به میزان زیادی مشابه با اصول توسعه‌ی پایدار عمل می‌کند. با این تفاوت که تمرکز اصلی خود را از بعد محیطی و زیستی کاهش داده و سعی در توازن و توجه به همه‌ی ابعاد درونی یک منطقه برای توسعه‌ی پایدار آن دارد (Lengyel, 2007, Martin et al, 2006, Pirvu, 2019, Klarin, 2018).

۶ منابع

- افتخاری، عبدالرزاق‌کن‌الدین، بدری، سیدعلی، (۱۳۹۱)، بنیان‌های نظریه‌ها یا الگوی توسعه‌های روستای نمونه، انتشارات نورعلم، تهران.
- پاپلی‌یزدی، محمدحسین، ابراهیمی، محمدامیر، (۱۳۹۲)، نظریه‌های توسعه روستایی، سمت، تهران.
- حاجی‌نژاد، علی، عسگری، علی، (۱۳۸۱)، تحلیل نقش و جایگاه سازمان‌های عمران منطقه‌ای در توسعه‌ی نواحی روستایی با رویکرد نهادی، مطالعه‌ی موردی: سازمان عمران سیستان، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- حسین‌زاده دلیر، کریم، (۱۳۸۰)، اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.
- داداش‌پور، هاشم، احمدی، فرانک، (۱۳۸۹)، رقابت‌پذیری منطقه‌ای به مثابه رویکردی نوین در توسعه منطقه‌ای، راهبرد یاس، شماره ۲۲، صص ۵۱-۸۰.
- زیاری، کرامت‌ا...، محمدی، علی‌رضا، (۱۳۹۳)، مدیریت توسعه‌ی منطقه‌ای با تاکید بر ایران، تهران، دانشگاه تهران.
- سجاسی‌قیداری، حمدالله، افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین، مهدوی، داوود، (۱۳۹۵)، توسعه‌ی پایدار کارآفرینی گردشگری با تاکید بر مناطق روستایی، انتشارات سمت، تهران.
- سرشماری نفوس و مسکن استان گیلان، (۱۳۹۵)، سازمان برنامه و بودجه استان گیلان.
- صباغ کرمانی، مجید، (۱۳۸۰)، اقتصاد منطقه‌ای (تئوری‌ها و مدل‌ها)، انتشارات سمت، تهران.
- غضبانی، راحله، امین‌بیدختی، علی‌اکبر، جعفری، سکینه، حقیقت، حسن، (۱۳۹۷)، عوامل موثر بر رقابت‌پذیری مقصد ژئوتوریسم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوره ۱۵، شماره ۴۹، صص ۶۳-۹۳.
- فرجی‌راد، خدر، کاظمیان، غلام‌رضا، (۱۳۹۱)، توسعه‌ی محلی و منطقه‌ای از منظر رویکرد نهادی، انتشارات جهاد دانشگاهی تهران.
- مهندسان مشاور خورآوند، (۱۳۹۱)، طرح جامع تفصیلی شهر رودبار، اداره‌ی کل راه و شهرسازی استان گیلان.
- مومنی، منصور، فعال قیومی، علی، (۱۳۸۶)، تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS، کتاب نو، تهران.
- Annoni, P., Dijkstra, L., 2019, **The EU Regional Competitiveness Index**. Available online: https://ec.europa.eu/regional_policy/sources/docgener/work/03_rci2019.pdf.
- Gardiner, B., Martin, R., & Teyler, P., 2006, **Competitiveness, Productivity and Economic Growth Across the European Regions**.

- Lengyel, I., 2004, **The Pyramid Model, Enhancing Regional Competitiveness in Hungary**, Acta Oeconomica, Vol. 54 (3). PP. 232-342.
- Luo, M., Chen, F., Zhang, J., 2022, **Relationships Among Port Competition, Cooperation and Competitiveness: A literature review**, Transport Policy, Vol. 118, PP. 1-9.
- Martin, R.L., 2004, **A Study on the Factors of Regional Competitiveness Cambridge**, University of Cambridge.
- Martin, R., Kitson, M., & Tyler, P., 2006, **Regional competitiveness**, Routledge.
- Porter, M. K., Christian, H. M., Miller, Kaia., and Bryden, Richard T., 2004, **Competitiveness in Rural U.S. Regions: Learning and Research Agenda**, Institute for Strategy and Competitiveness, Harvard Business School.
- Pirvut, R., Radoi, I.M., 2019, **The Implications of Regional Competitiveness on Regional Development Policy and Economic Cohesion**. Theoretical and Practical Research in Economic Fields, Vol. 10, No. 1, PP.35-44.
- Pike, A, R, A., T, J., 2006, **Local and regional Development Routledge**.
- Porter, L., 2020, **A Comprehensive Guide to Classroom Management**, 1st Edition, Routledge, <https://doi.org/10.4324/9781003114772>.
- Ronald, L., 2004, **A Study On the Factors of Regional Competitiveness**, A draft final Report for the European Commission Directorate-General Regional Policy University of Cambridge.
- Rogalska, E., **Multiple-criteria Analysis of Regional Entrepreneurship Conditions in Poland**, Instytut Badań Gospodarczych, Vol. 13, No. 4, PP. 707-723.
- Semenenko, I., Halhash, R., Sieriebriak, K., 2019, **Zrównoważony rozwój regionów na Ukrainie: Przed i po rozpoczęciu konfliktu**. Equilibrium. Q. J. Econ. Econ. Policy, 14, PP. 317–339.
- Sitdikova, L., Heijman, W., & van Ophem, J., 2013, **The competitiveness of rural areas in the Republic of Tatarstan**. Applied Studies in Agribusiness and Commerce, 7(2-3), PP. 89–96.
- Thompson, N. Ward, N., 2005, **Rural Areas and Regional Competitiveness**, Centre for Rural Economy Research Report, University of Newcastle Upon Tyne.
- Thissen, M., Ivanova, O., Mandras, G., and Husby, T., 2019, **European NUTS 2 regions: Construction of interregional trade-linked supply and use tables with consistent transport flows**. JRC Working Papers on Territorial Modelling and Analysis, Seville, Spain: European Commission.
- Tudor, M. M., 2006, **Evaluation of Rural Competitiveness-Case study Romania**, Agricultural Economics & Rural Development-realities and perspectives for Romania, the research Institute for Agriculture Economy.
- Vincent, Ch., Zegarra, L.F., 2014, **Measuring Regional Competitiveness through Data Envelopment Analysis: A Peruvian Case**, Expert Systems with Applications.
- Ushvitskiy, L. I., & Parakhina, V. N., 2005. Sbornik nauchnykh trudov SevKavGTU. Ekonomika, (1), PP.1-20.
- Wierzbicka, W., 2020, **Socio-Economic Potential of Cities Belonging to the Polish National Cittaslow Network**. Oeconomia Copernicana.